



کسانی که در محیط های عمومی از ماسک استفاده نمی کنند، جریمه شوند

جناب سروان ننویس  
حل شد



شهر ونگ

شهاب پاک نگر

غذاخوری: همیشه که قرار نیست میهمان داشته باشید، باید برای خودتان هم فکر کنید. میزبانه و ناهار خودتان را روی گاز بچینید. فقط باید مثل شب عروسیتان، دونفری در یک بشقاب غذا بخورید، دونی را در یک نوشابه فرو کنید و میل کنید و حسابی عشق و حال کنید، به یاد روزهای شیرین اول ازدواج. فضای سبز، طراوت را با گل و گیاه باید به خانه آورد. در خانه حتما چند گلدان بگذارید، بهترین گزینه هم شمشاد است. هم محیط خانه رنگ و بوی بیرون را پیدا می کند. فقط قبل از خرید، حتما یک لگد به گلدان بزنید، شاید یک آقای حاجیلو پشتش مشغول مصاحبه باشد. □

بخرید. فقط اگر ماشین رختشویی روشن باشد، تکان هایش ممکن است کمی اذیتتان کند که آن هم نمک زندگی است. اتاق مطالعه: خانه ها کوچک می شود، اما باید مغزهایمان را بزرگ کنیم و این کار فقط با مطالعه حاصل می شود. بهترین جا برای مطالعه سرویس بهداشتی است، این همه در توالت فکر کردیم، یک بار هم کتاب بخوانیم. شما می توانید با یک لامپ چراغ قوه، نور اتاق مطالعه رو جوری تنظیم کنید که آرامشتان بیشتر شود، هواکش را هم روشن کنید تا از یک هوای مطبوع لذت ببرید.

روی هزینه کم می توان چهار میهمان را جا داد، فقط به میهمان ها باید بگوییم حتما با خودشان کیف بیارند که میهمان بغلی شان به مز آنجا ورود نکنند، روی میز هم خوراکی شان را بخورند و حسابی خوش بگذرانند. اتاق خواب: شما می توانید اتاق خواب خود را در یک فضای یک در یک خیلی شیک طراحی کنید. کافی است یک پارتیشن دور تا دور ماشین رختشویی بکشید، روی همان تشک بندهاید به آرامی به خواب بروید. فقط باید مثل گربه ها موقع خواب منحنی شوید و پایتان را بغل کنید و بخوابید. با این کار هم در فضا صرفه جویی می کنید، هم هزینه و دیگر لازم نیست سرویس خواب

پشت شمشادا

عشق خانه های ۲۵ متری

امروز می خواهیم در مورد دکوراسیون داخلی خانه های بیست و پنج متری چند نکته آموزشی بگوییم: میلمان: گل سرسید، درخت میلمان است. میلمان هم باید راحت باشد، هم وقتی میهمان داریم، با مشکل کمبود جامووجه نشویم و بتوانیم راحت یک مهمانی بیست، سی نفری برگزار کنیم. بهترین گزینه برای میلمان، استفاده از نیمکت های مدرسه است. دوران بچگی ما جوری بود که در یک کلاس ۲۰ متری، حداقل ۴۰ تا بچه می نشستند.

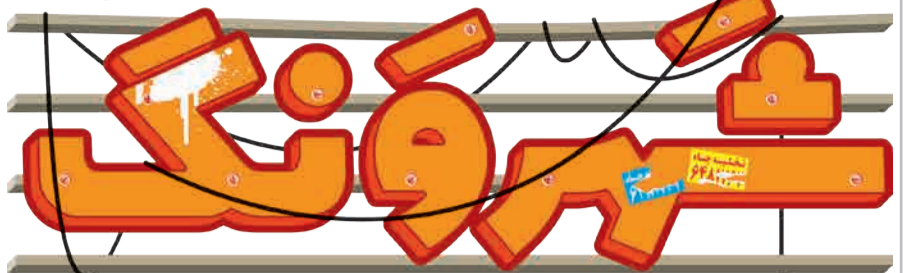
البته وقتی مادر حال جویک ساختن برای این خانه ها بودیم دوستی به طعنه گفت چطور ما توانستیم در زندان در یک سلول زندگی کنیم؟ پس شما هم می توانید. راستش از آنجا که رشته من هم راه و ساختمان است اگر از من در مورد احداث این خانه ها مشورتی بخواهند به آنها خواهیم گفت من اگر باشم حدود نیمی از مساحت خانه را به جکوزی اختصاص خواهیم داد. فکر نکنید این یک طرح مسخره و خام و از سر شکم سیری است. خودم می دانم در شرایط عادی احداث یک جکوزی در چنین خانه ای ابلهانه است اما مگر امروز شرایط ملک در کشور عادی است که ما هم تصمیمات عادی بگیریم؟

من اگر می گویم نصف فضای خانه را به جکوزی اختصاص دهند برای این است که در چنین خانه ای جکوزی چند کاربری است؛ هم می شود جای اتاق خواب باشد و در آن خوابید. هم حمام است. هم سینک ظرفشویی است. هم می توان به عنوان دستشویی از آن استفاده کرد هم با حفظ فاصله اجتماعی و دیگر فواصل عرفی می توان خیلی لاکچری از میهمان خود در آن پذیرایی کرد و هم..... هنوز راضی شده اید؟ برای توجیه ۲۵ متر مربع خانه ۴۵ متر مربع مطلب نوشتیم هنوز کافی نیست؟

خب بگذارید از دریچه دیگری به موضوع نگاه کنیم. با این سیری که در امر مسکن پیش گرفته ایم کم کم به جایی خواهیم رسید که متراژ قبرهایمان از متراژ خانه هایمان بزرگ تر خواهد شد و گورخوابی برای اکثریت ما منطقی جلوه خواهد کرد.

البته غیر از گورخوابی که اسم برازنده ای برای چنین خانه هایی است می توان به آن لوستر خوابی هم گفت؛ چون احتمالا اگر یک خانواده چهار نفره در این خانه زندگی کنند یکی شان باید بالای لوستر بخوابد.

اسم دیگری هم که می شود برایش گذاشت گلدان خوابی است؛ مثلا اگر کسی به این خانه اسباب کشی کند دخترش خواهد پرسید ماما اون گلدون بزرگ خزره ره کجاست؟ و مادرش هم فوراً جواب خواهد داد عزیزم بابایت گل را درآورد انداخت دور چون قرار شده باباتون شب ها تو گلدون کاشته، ببخشید، بخوابه. □



شهر ونگ  
صفحه آخر  
سه شنبه، ۱۳۹۹  
سال هشتم، شماره ۲۰۴  
می توانید QR Code زیر را  
با گوشی اسکن کنید

سنگ مفت، حرف مفت!

کورخوابی

در جکوزی ۲۵ متر مربعی!



شهرام شهیدی  
طنزنویس

محققان چینی موفق به کشف راهی برای زنده نگه داشتن ماهی به مدت ۷۲ ساعت بدون آب شدند

یک هموطن: منم خیلی وقته بدون درآمد زنده ام!

یک ماهی: الگوم، تحمل مردم ایران در برابر تورم و گرونی بود!  
محقق چینی: همه اش به ماهیه می گفتیم این آدم ها رو نگاه کن توی چه وضعیتی هستند و خجالت بکش!  
یک مسئول: هر موجودی به هر وضعیتی عادت می کنه اگه لوسش نکنی!  
یک محقق ایرانی: تحمل مون در حد ماهی هست باید قدرت فراموشی مون رو هم مثل ماهی ها برسونیم زیر سه ثانیه!  
شهر ونگ: احتمالا به ماهی می گفتند: «آب می خوای چی کار؟ برو خدارو شکر کن تنت سالمه...»  
#آب\_نان\_شغل\_مایه\_حیات\_نیست\_الگوی\_من\_همان\_ماهی\_است #شهر ونگ

چراغ سبز دولت و مجلس برای ساخت آپارتمان های بیست و پنج متری. خبری که نخستین بار در سایت هم شهری خواندم و این روزها خیلی مورد بحث قرار گرفته. خب اولین موضوع این است که در خبر نگفته خانه بیست و پنج متر مربعی و تنها ذکر شده خانه ۲۵ متری. فکر نکنید این موضوع به عدم حضور ویراستار و عدم دقت مسئولان صفحه برمی گردد. واقعیت این است که وسعت واژه مربع از خود ۲۵ متر مربع بیشتر است و چون طبق قوانین شهرداری چیزی نباید از خانه بیرون بزند، کلمه مربع حذف به قرینه بی جایی شده.  
این قرینه این روزها خیلی هم کاربرد دارد و خیلی از شهروندان به علت همین بی جایی، حذف شده اند!  
نکته جالب این است که یک نماینده مجلس تأکید کرده این خانه ها به افراد مجرد عرضه نخواهد شد، یعنی اگر یک جوان مجرد پولش نرسد که خانه بالای ۳۰ متر مربع بخرد باید اول برود زن بگیرد تا مشمول این طرح شود. خوب است شرط نگذاشته اند خریدار باید حداقل دو فرزند داشته و از پدر یا مادر خود نیز در این خانه ۲۵ متر مربعی نگهداری کند.

باغ فردوس پنج بعد از ظهر

قرارتراپی!



مونازار  
طنزنویس

لبخند ملیحی زد و گفت: «خودمم خانم فدایی» منو را بالاخره باز کردم و داشتم بین نوشیدنی های خنک چیزی را انتخاب می کردم که اسمش راحت باشد و گفتم: «قشنگ از خانم فدایی گفتتون معلومه خیلی اجتماعی هستید» تنها کلمه راحتی که توی منو پیدا کردم آب گازدار بود.

گفت: «مگه شما اجتماعی نیستید؟» منو را اهل دادم سمتش و گفتم: «من افسرده ام. من آب گازدار می خورم» گفت: «فضای کافه که خیلی روحیه بخشه! صبح تا عصر من میرم سر کار، اما تو توی کافه و کتابفروشی هستی» قرص آرامبخشم را از کیفم در آوردم و گفتم: «من افسرده ام این سطح از هیجان در زندگی رو تاب نمیارم» چشمکی زد و گفت: «درست می شنید با من» احساس می کردم افسردگی ام رو به درمان است چون چیزهایی افتضاح تر از زندگی خودم هم وجود دارد. پاهایش را انداخت روی هم گفت: «منم سیرم. آب معمولی می خورم» مشخص بود از من بدبخت تر است که گازدار هم برایش عجیب بوده. ادامه داد: «خب از خودتون بگید» صدایم را صاف کردم و گفتم: «من خیلی دختر خوبی ام. فقط به غیر از افسردگی به مشکل دیگه دارم اینه که مدارکم ناقصه. شناسنامه ام توضیحاتش خرابه، مدارک دانشگاهم نصفه اس. کارت ملی رو که کلاکم کردم» ابروهایش رفت بالا و گفت: «مدارک ناقص باشه که خیلی بد میشه. مجبور می شنید برید به روز دیگه بیاید» گفتم: «آره دیگه بدبختی!» سرش را خاراند و گفت: «می خواید پس برید به روز دیگه بیاید. من اینجوری نمی تونم» قرصم را بدون آب انداختم بالا از کافه دویدم بیرون. همیشه برای فرار باید دست گذاشت روی نقاط ضعف آدم ها. مخصوصا نقطه ضعف یک کارمند! □

آدامس را در می آورم و می گذارم لای دستمال کاغذی قرمز رنگی روی میز. دستمال را گوله می کنم و می چپانم توی جیب شلوارم. طوری جیبم ورم کرده که اگر جای صاحب کافه بودم شک می کردم دخترک جاشکری چیزی را کش رفته. حق می دهم شک کنند چون اگر آدم معقولی بودم ساعت سه بعد از ظهر با آدمی که تنها عکسی که ازش دیدم عکس یک درخت خشکیده بود قرار نمی گذاشتم. نمی دانم باید چه در سر یک نفر بگذرد که عکس یک درخت را که پشتش نور غروب تابیده، بگذارد پروفایل تلگرامش. تقصیر شکوفه احق است که فکر می کند چون افسردگی گرفته ام حتما باید با سایر دختران هم سن و سال خودم قرار بگذارم تا اجتماعی شوم و از روش های زندگی آنها الگو برداری کنم. در کافه باز شد دختری با مانتو شلوار و کیف کوچکی زیر بغلش وارد شد. قطعا خودش بود. از آن کارمندهایی بود که فکر می کرد بیرون از اداره هر چه نامتعارف تر باشد، بیشتر می تواند بعد خسته کننده کارمندی اش را پنهان کند و خودش را از آزاره و مفرح نشان دهد اما واقعیتش صرفا باعث می شود چشم اطرافیانش آب مروارید بیاورد و میگرن هایشان عود کند. آمد نزدیک و گفت: «خانم فدایی؟» سرم را بالا آوردم و گفتم: «درخت خشکیده در لحظات غروب؟!» نشست روی صندلی و گفت: «جان؟» گفتم: «اسم رمزه!» من از کجا بدونم شما همون درخته هستید که با من قرار گذاشته

شهر فرنگ

میخائیل زلاتکوفسکی ... کارتونست



شهر ونگ